

## تحلیلی بر شخصیت‌های «ماتیلدا»

پیتر هانت

ترجمه محبوبه نجف‌خانی

### ماتیلدا

نویسنده: رولد دال

ترجمه: محبوبه نجف‌خانی

ناشر: چشمه (کتابهای ونوشه). نوبت چاپ: اول (۱۳۷۶)

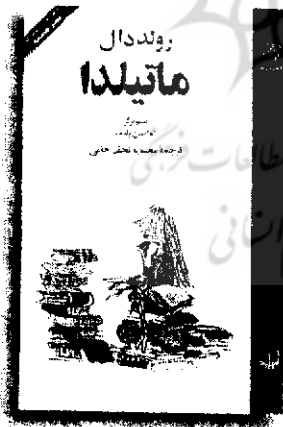
تعداد: ۳۰۰۰ نسخه. ۵۵۰ تومان

محبوبه نجف‌خانی فارغ‌التحصیل رشته مترجمی زبان انگلیسی از دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی علامه طباطبائی است. از او تاکنون رمانهای نوجوانانه «ماتیلدا» و «وقتی بابا کوچک بود» منتشر شده و ۶ رمان نیز در دست انتشار است.

### خلاصه داستان

کتاب شرح ماجرای دختری نابغه به نام «ماتیلدا»ست، با پدری پول‌پرست و متقلب که شغلش فروش لوازم ماشینیهای مسروقه و اتومبیل‌های خراب است و مادری خوشگذران و بی‌توجه به زندگی خانوادگی. ماتیلدا به رغم نادانی پدر و مادرش و با استعداد خدادادی، در سه سالگی تمام مجلاتی را که در خانه‌شان پیدا می‌شود می‌خواند و این در حالی است که وقتی از پدرش می‌خواهد کتابی برایش بخرد جواب می‌گیرد که کتاب به درد او نمی‌خورد و چیزی در کتاب وجود ندارد که نتوان در تلویزیون بهترش را دید!

در این شرایط ماتیلدا خود به تنهایی به کتابخانه می‌رود و شروع به خواندن می‌کند. بعد از مدتی والدینش با اصرار خودش - البته بیشتر به این علت که از شرش خلاص شوند - او را به مدرسه می‌فرستند. در مدرسه، برخلاف انتظارش از آن بهشت بچه‌ها و محیط دوستانه



خبری نیست. مدیر مدرسه که پیرزنی قوی هیکل و وحشی است، نه تنها بچه‌ها را دوست ندارد، بلکه از آنها متنفر است و با کوچکترین بهانه‌ای شدیدترین تنبیه‌ها را به آنها تحمیل می‌کند. اما در عوض معلم ماتیلدا، خانم «هانی»، فردی کاملاً متفاوت است. او که بچه‌ها را بسیار

دوست دارد، سعی می‌کند به‌رغم سخت‌گیریهای خانم مدیر، محیط مدرسه را برایشان دلپذیر سازد.

خانم هانی از همان ابتدا به استعداد و هوش استثنایی ماتیلدا پی می‌برد و حتی سعی می‌کند این مسئله را به پدر و مادر او هم بفهماند که البته موفق نمی‌شود.

در نهایت پس از فراری دادن مدیر بدجنس مدرسه توسط ماتیلدا و پس از اینکه خانواده ماتیلدا به خاطر لو رفتن فعالیت‌های غیرقانونی پدر مجبور به ترک شهر می‌شوند، خانم «هانی» ماتیلدا را به فرزندی می‌پذیرد و این دو زندگی خوب و خوشی را آغاز می‌کنند.

### شخصیت‌آفرینی خانواده ماتیلدا

در این داستان، شخصیت‌آفرینی خانواده ماتیلدا، خواننده را با برخی از ناخوشایندترین شخصیت‌ها در داستان کودکان آشنا می‌سازد. بویژه توصیفات جسمانی شخصیت‌ها در اوایل کتابکه در بردارنده مفاهیم ضمنی بسیار منفی هستند، قابل ارزیابی است.

«آقای «ورم وود» مردی ریز نقش و شبیه موش بود که دندانهای جلویی‌اش از زیر سبیل باریک و موش مانند‌ش بیرون زده بود. او دوست داشت ژا کت‌هایی به رنگ روشن یا چهارخانه‌های بزرگ بپوشد و کراوات‌های زرد و سبز را با آنها جور کند.»

به‌گزینشهای واژگانی نسبتاً چشمگیر و به‌خصوص به تکرار استعاره موش توجه کنید که نمایانگر مردی است که از نظر جسمانی و حرفه اجتماعی فاقد جذابیت لازم است؛ فروشنده ماشین‌های دست دوم چنین شخصی فقط می‌تواند با زنی که دارای مشخصات زیر است ازواج کند:

«خانم ورم وود، زن چاقی بود که موهایش

را رنگ نقره‌ای زده بود و فقط ریشه موها که تازه درآمده بود به قهوه‌ای می‌زد. چهره‌اش را بسیار غلیظ آرایش کرده بود و از آن نوع هیکل‌های قلنبه و بدقواره داشت که انگار گوشتهای بدنش را با بند، طوری به دور تا دور بدنش محکم بسته بودند تا نریزد.»

در حقیقت، در این داستان هنر قوی کاریکاتور به کار گرفته می‌شود تا درک ما را نسبت به خانم و آقای «ورم وود» افزایش دهد. به نامگذاری این خانواده توجه کنید. («ورم وود» به معنی کرم چوب است).

حال این سؤال مطرح است که آیا خوانندگان داستان‌های «رولدال» هیچیک از ویژگیهای مردم واقعی را در اجتماع تشخیص می‌دهند؟ اگر تشخیص می‌دهند در سلسله مراتب تجربه واقعی اجتماعی کودکان، این ویژگیها چگونه ارزیابی می‌گردند؟

«دال» برای سرگرم کردن کودکان تمام تواناییهای خود را به کار می‌گیرد. او به کودک نشان می‌دهد که چگونه می‌تواند با طرح نقشه‌های انتقامجویانه تلافی کند.

این داستان سراسر تمثیل است. در پشت این داستان کودکانه و قصه باستانی و ساده مبارزه خیر و شر، مفاهیم بسیار عمیقتری را می‌توان یافت.



## ماتیلدا

ماتیلدا از نظر فیزیکی دختر ظریفی است و از نظر شخصیتی دختر خوبی، بدون خودخواهی است. با ذکر کلمه ظریف بر آسیب‌پذیری او تأکید می‌شود. گرچه می‌دانیم که از نظر ذهنی دختری بسیار قوی است، ولی «دال» مرتب به خواننده گوشزد می‌کند که خطر ماتیلدا را تهدید می‌کند.

در کتاب، بارها به جای ماتیلدا، کلمه دختر به کار می‌رود و در کنار آن از صفتهای «کوچک» و «ظریف» استفاده می‌شود.

ماتیلدا نماد نسل جوان و روشنفکری است که با استعداد خدادادی خود به دنبال زیبایی، کمال، درستی و آزادی است. اما اینها ارزشهای جامعه پول‌پرست و مادیگرای خانواده‌اش نیست، چرا که آنها درکی از ارزشهای واقعی ندارند و خورا کشان برنام‌های احمقانه‌ای است که تلویزیون برایشان پخش می‌کند و هدفشان فقط و فقط مال‌اندوزی است.

او ستمکاران، یعنی خانواده خود را تحقیر می‌کند. در حالی که آنها از این حقیقت که او باعث تمام این بدبختی‌هاست بی‌اطلاع می‌ماند. آقای «ورم وود» از کتاب متنفر است و آنها را نابود می‌کند. بی‌فرهنگی و برتری جسمانی را نمی‌توان مغلوب کرد، اما می‌توان زندگی را قابل تحمل‌تر کرد.

چاشنی ویژه‌ای که در این داستان وجود دارد آن است که آقای «ورم وود» به ماتیلدا مظنون می‌شود اما نمی‌تواند دلیل موجهی برای این بدگمانی بیان کند.

زندگی ماتیلدا فقط زمانی که او مدرسه رفتن را شروع می‌کند، رنگ تازه‌ای به خود می‌گیرد. آغاز مدرسه آغاز «سفر» این داستان است. بیشتر ماجراهای کتاب در مدرسه

متمرکز می‌شود. مدرسه معرف «سفر» است و ماجراهای آن همراه با این سفر. از نظر ما سفر به صورت مجازی دو معنا دارد؛ یکی به این معنا که برای ماتیلدا این اولین مرحله زندگی است و دوم مفهوم تحت‌اللفظی کلمه سفر.

## خانم ترانچبال

ماتیلدا قبل از آنکه بتواند از زندگی جدید خود لذت ببرد باید بر مدیر مدرسه خبیث که مانع از پیشرفت تحصیلی او می‌شود، غلبه کند. مدرسه جایی است که او همدم و دوست سفر خود را در شخص خانم هانی ملاقات می‌کند؛ دوست و همدمی که خانواده جدید او یا به عبارتی قیم او می‌شود.

همچنین خانواده به شکل منفرد خود در شخصیت خانم «ترانچبال» مدیر مدرسه ماتیلدا نشان داده می‌شود. خانم «ترانچبال» از نظر ظاهری زنی خبیث و نفرت‌انگیز و به کنایه می‌توان گفت که حتی قادر به جنایت است. البته شخصیت او چه از نظر ظاهری و چه از نظر رفتاری بسیار مبالغه‌آمیز است. او بدجنس است و با کودکان به طرز وحشیانه رفتار می‌کند. رفتار او بیشتر به سمت فاناستیک تغییر جهت می‌دهد و شاید علت شهرت کتاب در بین نوجوانان همین باشد. خانم «ترانچبال» نمادی از حکومت‌های خودکامه و فاشیستی است که از درک هنر و فرهنگ عاجزند و قادر به پذیرفتن وجود هیچ‌گونه استعداد و توانایی در جوانان یا افراد اندیشمند نیستند. بلکه آنان را توطئه‌گرو خائن می‌دانند.

«دال» برای توصیف وضعیت ظاهری و رفتاری او استعاره نظامی به کار می‌گیرد: «پیراهنش بسیار شبیه یونیفورم نازیهاست و هرگز راه نمی‌رود، بلکه همیشه قدم رو می‌رود.» وقتی در داستان برای اولین بار با خانم



## نویسنده از نظر کاربرد افعال، در مورد خانم «هانی» از «گفتن»، «پرسیدن»، «مکت کردن»، «فکر کردن» و «شنیدن» استفاده می‌کند.

داستان، نمایش نجوای خانم «ترانچبال» و آقای «ورم وود» است. برای نشان دادن شخصیت مدیر، همان بس که نویسنده هرگز از فعل «گفتن» برای خانم ترانچبال استفاده نمی‌کند، بلکه در سراسر داستان افعال «فریاد زد»، «نعره کشید»، «داد زد»، «غریب»، «جیغ زد» و... را به کار می‌برد.

### خانم هانی

نقطه اوج داستان زمانی است که ماتیلا متوجه می‌شود خانم «ترانچبال» خاله معلم محبوب او یعنی خانم «هانی» است و او را بزرگ کرده است؛ معلمی که نماینده انجمن دوستی با کتاب است. افراد آگاه چون خانم «هانی» در این اجتماع انگشت شمار و اغلب با تمسخر سایرین که ملاکشان تنها پول است مواجهند. شخصیت خانم «هانی» دقیقاً متضاد خانم «ترانچبال» است.

در اینجا نموداری از توصیفات ظاهری و خصوصیات رفتاری خانم «هانی» را به اختصار ذکر می‌کنیم:

شخصیت	اندام	صورت
ملایم	باریک	دوست‌داشتنی
آرام	ظریف	رنگ پریده
دوست‌داشتنی	شکندنه	بیضی شکل
		معصوم و بی‌گناه

نویسنده از نظر کاربرد افعال، در مورد خانم «هانی» از «گفتن»، «پرسیدن»، «مکت کردن»، «فکر کردن» و «شنیدن» استفاده می‌کند.

«ترانچبال» مواجه می‌شویم، او به عنوان موجودی در دسرافزین ترسیم می‌شود و در اولین استعارات حیوانی، نویسنده او را طوری می‌بیند که بی‌شبهت به کرگدن نیست. با این توصیفات است که نویسنده با خواننده نوجوانش ارتباط برقرار می‌کند و آنها را در جریان چگونگی نگرش خود درباره این مظهر نفوذ و قدرت، یعنی مدیر مدرسه قرار می‌دهد. از نظر همنشینی واژگانی، می‌توانیم نمودار زیر را برای خانم «ترانچبال» ارائه نماییم:

اندام	چهره
گردن کلفت	چانه سرسخت
شانه‌های پهن	دهان خبیث
بازوان قوی	چشمان ریز و متکبر
پاهای پر قدرت	

از این نمودار می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که صفات به کار رفته در اینجا، برای ارزیابی منفی استفاده شده است. چانه، دهان و چشمان بخشی از صورت و در واقع بخشی از خانم «ترانچبال» هستند؛ شخصی که سرسخت، بی‌رحم و متکبر است.

در داستان مفهوم اندازه بسیار مهم است. معرفی بزرگی جثه خانم «ترانچبال» و رفتار وحشیانه او در مقابل کودکان گواه بر این موضوع است.

در داستان بارها به جای استفاده از لفظ خانم «ترانچبال» فقط از کلمه «ترانچبال» استفاده شده است. یکی از جالبترین ویژگیهای زبان شناختی

## برای نشان دادن شخصیت منفی مدیر، همان بس که نویسنده هرگز از فعل «گفتن» برای خانم «ترانچبال» استفاده نمی‌کند، بلکه در سراسر داستان افعال «فریاد زد»، «نعره کشید»، «داد زد»، «غرید»، «جیغ زد» و... را به کار می‌برد.

معرفی می‌شود. گرچه در ارائه تصویر این شخصیت بسیار اغراق شده است. ماتیلدا بر خانواده و مدیر غول پیکرش غلبه می‌کند، تا به دوست آینده‌آل و جانشین خانواده‌اش، یعنی خانم هانی برسد. شاید «دال» با توصیف پرقدرت خود، ناخوشایندیهای سلطه بزرگترها را مورد توجه قرار می‌دهد که باعث شده تا والدین با نظر تردید به او بنگرند.

آثار «رولد دال» درست خلاف نظرات بسیاری از والدین از ادبیات کودک است. چارلی و کارخانه شکلات‌سازی<sup>(۱)</sup> که در سال ۱۹۶۴ به چاپ رسید، مورد استقبال کودکان و برعکس مورد مخالفت و انزجار بزرگترها قرار گرفت. زیرا این کتاب فاقد مطالب اخلاقی و برعکس پر از مطالب خنده‌دار است. همچنین این کتاب به خاطر نژادپرستی در معرفی شخصیت «اومپا - لومپا» و توصیف پدر بزرگ و مادر بزرگ «چارلی» مورد انتقاد قرار گرفت. معرفی پدر بزرگ و مادر بزرگ «چارلی» جنبه کلیدی آثار «دال» است و احتمالاً به همین علت است که بزرگسالان آن چنان شدید او را مورد انتقاد قرار داده‌اند. به عبارت دیگر «دال» نسبت به ارکان خانواده و به طور کل بزرگسالان دید بسیار متفاوتی دارد. سلطه‌پذیری کودکان از

خانم «هانی» با تمام شاگردانش ارتباط برقرار می‌کند، اما با ماتیلدا بیشتر. گرچه ماتیلدا شخصیتی بسیار تأثیرگذار دارد، اما بعد از او خانم «هانی»، دوّمین شخصیت داستان و به عنوان کسی که در فرایندهای ذهنی سهیم است معرفی می‌شود. مانند: «خانم هانی به این دختر ظریف و کوچک نگاه کرد» که «نگاه کرد» فرایند ذهنی است و نه فرایندی کلامی.

فرایندهای ذهنی به خواننده این امکان را می‌دهد تا ببیند که چگونه کودکی می‌تواند بخش مهمی از دنیای معلم و بینش او از این جهان شود.

و در نهایت آینده ماتیلدا در کنار خانم «هانی» شکل می‌گیرد؛ همدمی که خانواده او می‌شود، و بعد از رفتن «ورم وود»‌ها و خانم «ترانچبال» قیم او می‌شود و باعث می‌شود تا مدرسه جدیدی به وجود آید.

می‌توان گفت «رولد دال» مشهورترین نویسنده کودکان در سی سال اخیر به شمار می‌رود. تمام داستانهای «دال» شامل وقایع فانتزی در رویارویی شخصیت اصلی علیه چیزهای غیرعادی و عجیب است. عوامل فانتزی در دو داستان دانی، قهرمان دنیا و ماتیلدا حضور دارند و هر دو این داستانها با حقیقت سلطه‌گری در ارتباطند. اما در ماتیلدا عامل فانتزی اصلی‌تر است. با این حال، خانواده ناخوشایند، نمایانگر واقعیتی ملموس است؛ سلطه جسمانی، برتری درشتی اندام بر ضعف جسمانی به‌خوبی در شخصیت خانم «ترانچبال»

۱- چارلی و کارخانه شکلات‌سازی با دو ترجمه: چاپ شده است.  
الف) فتح‌اله جعفری جوزانی. انتشارات روشنگران. سال ۱۳۷۵  
ب) شهلا طهماسبی، نشر مرکز. ۱۳۷۶



بزرگسالان به او به چشم یک شورشی نگاه می‌کنند. اما با این حال، او کنترل خود را بر خوانندگانش اعمال می‌کند. به وضوح می‌توان این ویژگی را در دو کتاب دانی قهرمان دنیا و ماتیلدا مشاهده کرد.

**منابع:**

۱. کتاب ادبیات کودک - پیتر هانت
۲. روزنامه همشهری - مورخ ۷۶/۸/۱۲

سلطه گری والدین به عنوان سیستم کنترل لازم و صحیح، به طور قطع بخشی از نظرات این نویسنده نسبت به جهان نیست! هرچ و مرج جای اطاعت را می‌گیرد. احساسات بزرگترها هرچه می‌خواهد باشد.

«دال» در بین کودکان بسیار مشهور است. او با کودک خواننده‌اش، علیه دنیای بزرگترها متحد می‌شود، به همین علت بسیاری از

